

سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲

شماره ۴۰۰۷

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

شبکه رسانه‌ای تجزیه‌طلب دنبال صاحبکار جدید می‌گردد

بی‌پولی تل‌آویو، تعطیلی منوتو؟



میلاhd جلیل‌زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

همین حالا سرتی به ویکی‌پدیای شبکه فارسی‌زبان منوتو بزیند که به پنج زبان فارسی، انگلیسی، اوکراینی، تاجیکی، عربی و هلندی توضیحاتی را ارائه داده است. غیر از برگه‌های انگلیسی و فارسی در باقی زبان‌ها، ویکی‌پدیای منوتو توضیحاتی چند خطی و گاه حتی یک خطی درباره این شبکه داده است که به هیچ جزئیاتی ورود نمی‌کند اما در برگه‌های فارسی و انگلیسی، به این اشاره شده که منابع مالی این شبکه هیچ‌گاه مشخص نشده‌اند. این به واقع حیرت‌انگیز بود که شبکه‌ای با این همه ساز و برگ و هزینه، به‌طور رایگان در اختیار مخاطبان فارسی‌زبان قرار بگیرد و هر قدر هم از عوامل آن راجع به منابع مالی شبکه‌شان بپرسند، هیچ‌کدام هیچ چیز به روی خودش نیاورد. اگر به بخشی از ویکی‌پدیای فارسی و انگلیسی منوتو نگاه کنید که راجع به نامشخص بودن منابع مالی این شبکه جملاتی را نوشته‌اند و به منابع این جملات در پایین برگه رجوع کنید که انگلیسی‌زبان هستند، با نکتته‌ای عجیب‌تر مواجه خواهید شد. از آنجا که منوتو مثل اکثر شبکه‌های فارسی‌زبان ضد جمهوری اسلامی در لندن مستقر است و طبق قوانین آن کشور منشأ و منابع مالی‌اش باید مشخص باشند، توجه به این منابع بسیار اهمیت دارد؛ اما تک‌نک اینک‌ها را وقتی باز می‌کنید می‌بینید که مطالب داخل‌شان حذف شده‌اند. چند سال پیش در شبکه اجتماعی توئیتر که حالا با عنوان اکس شناخته می‌شود، کمیته‌یی به راه افتاد با عنوان «مطالبه شفافیت مالی منوتو» و کاربران فراوانی از زاویه‌های مختلف و در مدت زمانی نسبتاً طولانی عوامل منوتو را راجع به منابع مالی‌شان به پرسش کشیدند. همه اینها اما باعث نشد از جانب مدیران یا عوامل این شبکه کلمه‌ای درباره منابع مالی‌شان بیان شود. بعد از ۱۳ سال که از تأسیس این شبکه گذشته بود، اعلام شده که منوتو در اول ژانویه تعطیل خواهد شد و دلایل این تعطیلی مسائل مالی عنوان شده است. به عبارتی شبکه را تعطیل کردند اما بالاخره به‌طور رسمی توضیح نداده‌اند که منبع مالی‌شان کدام فرد، گروه، نهاد یا دولت بوده است. سوال اینجاست که مگر منوتو از ابتدا صرفه اقتصادی داشت که حالا صرفه‌اش را از دست داده باشد؟ حتی اگر این شبکه ۱۰ برابر جمعیت ایران مخاطب می‌داشت، باز هم صرفه مالی پیدا نمی‌کرد، چون نه تبلیغات چندانی پخش می‌کرد که هزینه‌هایش را توجیه‌پذیر کندند و نه اشتراک می‌فروخت. پس اینکه

حالا با خبر تعطیلی شبکه مواجه می‌شویم هم به آن ایده و هدف‌گذاری اولیه‌ای که از تأسیس آن وجود داشت برمی‌گردد، یعنی خرج کردن بدون بازگشت برای منوتو دیگر نمی‌صرفد، چون این شبکه تأثیرگذاری‌اش را از دست داده است. شبکه منوتو قرار بود چیزهای به خصوصی را ترویج و تبلیغ کند و جا بیندازد. گفته می‌شود چند سال پیش کیوان عباسی به‌همراه مرجان عباسی –که موسس شبکه مرجان است و منوتو زیرمجموعه‌آن محسوب می‌شود- در جلسه‌ای عنوان کرد بی‌بی‌سی فارسی فقط به درد مواقع بحرانی می‌خورد که اتفاقاتی خاص در جامعه رخ نداده‌اند. اشاره و –اگر این نقل‌قول واقعیت داشته باشد- به رویدادهای پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ است. عباسی طبق این نقل‌قول ادامه داده است که ما می‌خواهیم شبکه‌ای برای باقی ایام عادی مردم ایران تأسیس کنیم. به عبارتی او می‌خواست یک نوع خاص از سبک زندگی و تفکر را ترویج بدهد که خودبه‌خود شهروندانی با ذهن‌های آماده برای رویدادهایی جدی‌تر از سال ۸۸ تربیت شده باشند.

اگر چنین نقل‌قول صحت داشته باشد- که احتمال آن بسیار بالاست- و چه نداشته باشد، به‌هرحال آنچه درواقع منوتو بر مدارش حرکت کرد، همین بود. منوتو تبلیغ تجمل بود و تصویری رویایی و بسیار زیبا از دوران پهلوی می‌ساخت؛ چنانکه انگار مردم ایران در دهه ۵۰ همه ثروتمند و شیک و به‌قول خودشان اروپایی بودند و حالا همه از ریخت افتاده‌اند و انگار تمام ساختن‌ها و خیابان‌های ایران در آن دوره از شانگهای و دبی شیک‌تر بودند و حالا به‌قول خودشان دهاتی شده‌ایم. نکته فاجعه‌آمیز اینجاست که گروه مخاطبان هدف منوتو همه از افراد کم‌هوش و کم‌سواد جامعه هستند و رفته‌رفته با ریزش سایر مخاطبان تنها چنین افرادی باقی ماندند. فاجعه‌ای که شبکه‌ای مثل منوتو می‌آفرید، بخشیدن اعتماد به نفس و چنین افرادی برای اظهار نظرهای قاطع بود. دونالد ترامپ هم در جامعه آمریکا چنین کرد و از تخت‌باوران زمین تا آسمانی مکتب کیوانان و دیگر افراد فرودست فکری، به خیلی‌ها اعتماد به‌نفس جدی برای اظهار نظر و تأثیرگذاری اجتماعی داد و البت نتخبگان ایالات متحده، با کنار گذاشتن تمام رودر بایستی‌هایشان در قبال شعارهای دموکراتیک، او را با خشونت تمام حذف کردند تا هر م عقلی جامعه به هم نخورد و آمریکا قابل اداره کردن بماند. در هر جای دنیا که چنین اتفاقی بیفتد و افراد کم‌سواد و بی‌علم و کم‌بهره از هوش، جرأت پیدا کنند که خودشان را جدی بگیرند، آن جامعه دچار وضعیتی یغرنج و بحرانی می‌شود.

چند وقت پیش یکی از روزنامه‌نگاران حوزه اندیشه می‌گفت با شش نفر از مخاطبان شبکه منوتو بحث‌های مفصل و جداگانه‌ای کرده و آنها هیچ‌کدام قبول نکرده‌اند هویدا را خود رژیم شاه به جرم فساد مالی دستگیر کرده بود و هنگام پیروزی انقلاب به همین جرم زندانی بود. به عبارتی منوتو با بازگویی از سطح پایین‌ترین افراد جامعه به لحاظ فکری و دانشی، به آنها اعتماد به‌نفسی برای ابراز وجود و اظهار نظر در برابر یک فرد آگاه می‌داد که علناً نص صریح تاریخ را نپذیریزند و در مقابل آن دروغ محضی مثل ثابت ماندن قیمت خودکار بیک در دوران ۱۳ ساله نخست‌وزیری هویدا را باور کنند؛ بی‌اینکه یک خط در هیچ کتاب یا گزارشی نوشته شده باشد که خود او چنین ادعایی کرده یا یک ثانیه فیلم با صوت از چنین ادعایی وجود داشته باشد که اگر هم داشت، چنین ادعایی با نزدگشکنی تووم ایران پس از جنگ جهانی (سال ۱۳۵۵) که به زغم هزاربرابر شدن درآمد نفتی ایران در دوران هویدا رقم خورد، جور در نمی‌آمد. دیگر چنان اعتماد به‌نفسی پیدا کرده بودند که اعداد و ارقام رسمی یا ناکتات ثبت‌شده تاریخی را هم با گردن افراشته نمی‌پذیرفتند. از این دست مثال‌ها زیاد است و شرح تنها بخشی از آنها از مثنوی هفتاد من کاغذ بیرون می‌زند اما به‌هر حال مجموع تمام اینها یک گزاره و یک نتیجه‌گیری را مرتباً تکرار خواهد کرد؛ اینکه منوتو روی لمپن‌ها و بی‌سوادهای جامعه فارسی‌زبان حساب کرده بود و به آنها برای اظهار نظر اعتماد به‌نفس می‌داد. چند سال پیش که شبکه فارسی‌زبان دیگری به نام ایران اینترنشنال تأسیس شد همین روند با شدت و شتاب بیشتری ادامه پیدا کرد. ایران اینترنشنال یا را از دایره‌ای که منوتو برای خودش تعریف کرده بود هم فراتر گذاشت و علناً به حمایت از چیزهایی مثل گروهک مجاهدین خلق، گروهک‌های تروریست و تجزیه‌طلب و امثال آن پرداخت و اگرچه در یک مقطع زمانی به خصوص توانست موج رسانه‌ای قابل توجهی به راه بیندازد به سرعت بدنام شد و تنها دیوانگان و لوج‌های کم‌عقل و بی‌سواد دور و بر آن باقی ماندند. منوتو هم در این میان هر روز کم‌فروغ‌تر از روزی می‌شد و عملایی شد گفت اگرچه هنوز بخشی از آدم‌های لوج و کم‌بهره از دانش و سواد را به عنوان مخاطبان خودش نگه داشته بود، اما دیگر آن ضریب نفوذ و تأثیرگذاری سابق را نداشت. توجه به این نکته هم مهم است که منوتو یک سبک زندگی لاکچری و غرب‌گرا را ترویج می‌کرد و این ایده، به خصوص بعد از دی ماه ۹۶ شدیداً در جامعه ایران به چالش کشیده شد. وقتی جامعه ایران به شدت تب ضد سرمایه‌داری پیدا کرده بود، مجریان منوتو به‌هر بهانه بی‌ریغی سعی



اطلاعیه‌ای برای تعطیلی یا ورشکستگی

جمع‌بندی که موفق نشده‌اند شبکه را به درآمد برسانند، تعطیلی شبکه را اعلام کرده و گفته‌اند در حال درمیان‌گذاشتن ماجرا با کارمندان‌شان هستند. البته مدیران این شبکه اعلام نکردند در این ۱۴ سال، درآمد شبکه‌شان از کجا تأمین می‌شده که حالا بعد از این همه سال، به مشکل مالی برخوردند. برنامه‌های شبکه منوتو در زمان انتشار این خبر، در حال پخش است و مشخص نیست این برنامه‌ها، آخرین برنامه‌های این شبکه است یا به شیوه

دیگری به پایان خواهد رسید. در بخشی از بیانیه که به شرایط اقتصادی و کاهش درآمدی‌های این شبکه اشاره شده، آمده است: «تداوم بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی‌های اقتصادی در منطقه، ادامه این مدل تلویزیون تجاری را ناممکن کرد و ما را از رشد گسترش و درآمدزایی در این صنعت در حال تحول ناتوان ساخت. طی همه این سال‌ها ایده‌های متفاوتی را برای کسب درآمد بنکار بردیم اما متأسفانه تا به امروز هیچ یک نتیجه‌بخش نبوده‌اند.»

این اطلاعیه در عین حال که از تعطیلی در بهمن خبر داده، عملا از حامیان سابقش خواسته با پرداخت رقم‌های میلیون یوندی که سابقاً به این شبکه پرداخت می‌کردند و حالا با راه‌اندازی ایران اینترنشنال، مسیر تازه‌ای یافته، مانع از تعطیلی‌اش شوند؛ خواسته‌ای که غیرعلمی مطرح شده و پس از بی‌نتیجه ماندن، در قالب این اطلاعیه به شکل علنی مطرح گشته است.

منابع مالی شبکه منوتو

سال ۱۳۹۸ حمید بعیدی نژاد سفیر ایران در لندن با انتشار یک سند مالی در صفحه توئیتر خود نوشت: «تراز مالی شبکه من و تو نشان می‌دهد که از نظر اقتصادی شرکتی کاملاً ورشکسته است. از ۹۵ میلیون پوند سرمایه، این شبکه فقط سه میلیون پوند درآمد داشته و بقیه ضرر بوده است.» در بخش دیگری از این توئیت آمده است: «این شبکه از طریق تزریق اموال به غارت رفته ملت ایران توسط خانواده پهلوی اداره می‌شود و به دستگاه تبلیغاتی آنها مبدل شده است.»

تا به امروز مدیران کانال تلویزیونی منوتو، درباره هویت سرمایه‌گذاران این شبکه و منابع مالی‌ان اطلاع‌رسانی نکرده‌اند و اطلاعاتی که در فضای مجازی منتشر می‌شود مبتنی بر داده‌های آشکاری است که درخصوص شرکت‌ها باید منتشر شود. در همان سال ۱۳۹۸ گزارش دیگری از ژورنال ایرانیان کانادا

شبکه منوتو چگونه راه‌اندازی شد؟

۲۵ اکتبر ۲۰۱۰ همزمان با ششم آبان ۱۳۸۹، شبکه من و تو با مدیریت کیوان و مرجان عباسی در لندن راه‌اندازی شد. اما کیوان عباسی کیست و چگونه این شبکه را راه‌اندازی کرد؟ کیوان عباسی مارس سال ۱۹۷۱ در شهر سیدنی کشور استرالیا به دنیا آمد و تحصیلات دوران ابتدائی خود را در مدرسه بهائی ایرانیان مقیم استرالیا در شهر سیدنی گذراند است. پدرش تا سال ۱۹۸۱ در یک رسانه استرالیایی فعالیت داشت و با تجربه کاری که در زمینه رسانه به دست آورد و به واسطه پیگیری‌های بهروز عباسی، پسر عمویش (از گردانندگان بخش فارسی صدای آمریکا) به ایالات متحده رفت و در بخش فارسی صدای آمریکا به‌عنوان یکی از اعضای اتاق فکر این رسانه مشغول به کار شد. کیوان عباسی سال ۱۹۹۶ برای ادامه تحصیل به

منتشر شد که به بررسی هزینه‌ها و درآمد این شبکه می‌پرداخت. براساس این پژوهش آمده بود: «آخرین گزارش مالی شرکت «شبکه تلویزیونی مرجان» یا Marjan Television شرکتی مالک کانال تلویزیونی منوتو برای سال مالی منتهی به سپتامبر ۲۰۱۸ چند ماه پیش در سایت ثبت شرکت‌های انگلیس منتشر شد. بررسی آخرین گزارش مالی شبکه منوتو نشان می‌دهد که هزینه‌های این شرکت در سال مالی اخیر تقریباً ۲۰ برابر درآمد آن و در سال قبل از آن ۱۹ برابر درآمد آن بوده است.»

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «مجموع هزینه‌های عملیاتی شرکت طی سه سال مالی از مرز ۵۳ میلیون پوند گذشت است؛ حال آنکه مجموع درآمد‌های سه سال گذشته آن به زحمت به ۲٫۵ میلیون پوند می‌رسد. درآمد سال مالی اخیر شرکت (که مشخصاً از طریق تبلیغات حاصل

دانشگاه بنگور یون تلویو سفر می‌کند و همان‌جا با دختر فرهاد اسکندری از اساتید ایران‌شناسی دانشگاه حیفاً آشنا می‌شود. کیوان عباسی و مرجان اسکندری، دختر فرهاد اسکندری سال ۲۰۰۱ با حضور خانواده‌اش در مشرق الانکار شهر حیفازاواج کردند. بعداً مرجان اسکندری به خواسته شوهرش، نام خانوادگی خود را هم نام با نام خانوادگی شوهرش کرد.

جولای سال ۲۰۰۶ نقطه عطف تلویزیون‌داری کیوان عباسی است. او که در اداره هاستلر تی وی، مشغول به کار بود اعتماد میشکل کلین را به خود جلب کرد و توانست اولین تلویزیون اینترنتی فارسی‌زبان را تحت عنوان بین تی وی راه‌اندازی کند. در آن سال‌ها که آغاز زیست مجازی بین ایرانی‌ها بود، تلویزیون اینترنتی بین تی وی توانست بینندگان بسیاری را جذب بنا به اطلاعاتی که سرویس سیاسی مشرق منتشر کرده است، کیوان عباسی

در جلسه افناع اسپانسر‌ها برای راه‌اندازی شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای از نوع سیاسی-انترتینمنت گفته است: «شبکه بی‌بی‌سی فارسی شبکه دوران بحران است؛ شبکه‌ای که مخاطبان آن در زمان وضعیت سفید و حالت عادی به حداقل می‌رسد. این مطلوب ما نیست، اگر حمایت‌هایی که از شبکه بی‌بی‌سی فارسی می‌شود، از من و دوستانم بشود شبکه‌ای راه‌اندازی خواهیم کرد که در زمان عادی با پخش برنامه‌های فرهنگی و جذاب، جوانان و مخاطبان خود را جذب کند تا در زمان بحران و آشوب و به قولی وضعیت قرمز بتواند اثرگذاری خود را داشته باشد؛ برنامه‌های فرهنگی برای جذب در روزهای عادی و برنامه‌های سیاسی برای تخریب در زمان بحران و آشوب.»